

DOI: [10.71854/soc.2024-1126826](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126826)

Investigating social factors affecting labor conflicts in the first Pahlavi period

Mahdi Jalali¹

PhD Candidate of Sociology of Iranian Social Issues, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

[0000-0002-2823-0890](https://orcid.org/0000-0002-2823-0890) 

Abstract

Industrial relations and labor conflicts are essential phenomena of community administration in the contemporary era, to which the authorities and officials of every society's affair should pay deep attention. Since labor is one of the most important actors in the industrial sector of the economy, paying attention to their relationships with other industrial actors can play a significant role in understanding macro changes in society. Considering that during the period of Reza Shah, the industrial relations system was gradually being formed, this research tried to reduce the existing research deficiencies by identifying the factors affecting labor conflicts in this period and helping the researchers and policymakers in this field. The method used in this research is a historical study. The work process was such that among the 120 specified sources, 27 first-hand scientific sources with detailed documentation were selected. Finally, according to the theoretical foundations of the research, an effort is made to provide a model for this course. This research uses the library method to collect information and data. The findings of the research indicated that during this period, the number of industrial workers is gradually increasing, the wages of labor are low, labor do not have a good welfare state, and labor unions and labor movements are severely suppressed. The research showed that normative, relational, symbolic, and distributional disorders have affected industrial relations in this period. Despite reaching collective agreements, most conflict resolution processes have failed.

Keywords: Labor conflicts, First Pahlavi period, social disorders, employer, labor

¹ Corresponding Author: Mahdi_jalali_aze@yahoo.com

2.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

مهدي جاللي²

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳۰

چکیده

روابط صنعتی و تضادهای کارگری، از پدیده‌های مهم اداره اجتماعات دوره معاصر است که باید مورد توجه عمیق برنامه‌ریزان و مسئولان اداره امور هر جامعه قرار گیرد. از آنجایی که کارگران، از مهمترین کنشگران بخش صنعت اقتصاد هستند، توجه به روابط آن‌ها با سایر کنشگران صنعتی، می‌تواند نقش بسزایی در درک تغییرات کلان جامعه داشته باشد. با توجه به این که در دوره رضاشاه، به تدریج نظام روابط صنعتی در حال شکل‌گیری بود، این تحقیق تلاش داشت با شناسایی عوامل مؤثر بر تضادهای کارگری در این دوره، از نواقص پژوهشی موجود بکاهد و به محققین و سیاست‌گذاران این حوزه، یاری رساند. روش مورد استفاده در این تحقیق، مطالعه تاریخی می‌باشد. روند کار بدین صورت بود که از بین 120 منبع مشخص شده، 27 منبع دست‌اول، علمی و با مستندات دقیق انتخاب شدند. ابتدا توصیفی دقیق از بازه زمانی مورد بررسی ارائه شد و سپس وقایع مهم مرتبط تاریخی در رابطه با روابط صنعتی و تضادهای کارگری به صورت زنجیره‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت با توجه به مبانی نظری تحقیق، تلاش شد تا مدلی برای این دوره ارائه گردد. همچنین، از روش اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که در این دوره، به تدریج تعداد کارگران صنعتی در حال افزایش است، دستمزد کارگران صنعتی اندک است، کارگران وضعیت رفاهی مناسبی ندارند و اتحادیه‌های کارگری و حرکت‌های کارگری به شدت سرکوب می‌شوند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن بود که اختلالات هنجاری، رابطه‌ای، نمادی و توزیعی بر روابط صنعتی این دوره اثرگذار بوده است و علی‌رغم دستیابی به برخی توافقات و پیمان‌های جمعی، بیشتر فرآیندهای حل تضاد با شکست مواجه شده است.

کلیدواژه‌گان: تضادهای کارگری، دوره پهلوی اول، اختلالات اجتماعی، کارفرما، کارگر

². نویسنده مسئول: Mahdi_jalali_aze@yahoo.com

مقدمه

دوره رضاشاه پهلوی، دوره تأثیرگذاری در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. این تأثیرات را در حوزه‌های مختلفی می‌توان مشاهده کرد. یکی از این حوزه‌ها، حوزه صنعت و نظام روابط صنعتی است. در این دوره، به تدریج نظام روابط صنعتی در حال شکل‌گیری بود و این نظام که از دوره قاجاریه در ایران پا به عرصه ظهور گذارده بود، شکل جدیدی به خود می‌گرفت. روابط صنعتی، دربرگیرنده بازیگران و مسائل متعددی در درون خود است. تولید صنعتی علاوه بر این که فنی‌سازی، تخصصی کردن و بروکراتیزه‌سازی جریان تولید را به همراه می‌آورد، سبب تغییر اساسی و عمیق در احوال و طرز فکر مردم می‌شود و تغییر بنیادی نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال دارد (صدرنوبی، 1385: 83). بازیگران روابط صنعتی (کارگران، کارفرمایان و دولت) نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه دارند. کارفرمایان چرخانندگان اقتصاد کشورند و تولید صنعتی وابسته به سرمایه‌های آنها است؛ تولید صنعتی نیز وابسته نیروی کار کارگران هست.

روابط صنعتی و تضادهای کارگری، از پدیده‌های مهم اداره جوامع معاصر است که باید مورد توجه عمیق برنامه‌ریزان و مسئولان اداره امور هر جامعه قرار گیرد. بررسی نظریه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی روابط کار نشان می‌دهد که یک علت مهم مشکلات، عدم شناخت دقیق و همه‌جانبه مصادیق و محتوای پدیده مذکور می‌باشد که این خود، به دلیل نبود یک چارچوب نظری دقیق برای تحقیق و شناخت این پدیده ایجاد شده است. با کنکاش در اندک تحقیقات صورت گرفته درباره تضادهای کارگری و روابط صنعتی در ایران نیز می‌توان دریافت که این مطالعات یا با دیدی ایدئولوژیک به مسئله نگرسته‌اند

4.... بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

و یا دقیق و سازمان یافته نبوده‌اند؛ حال آن که تضادهای کارگری و روابط صنعتی به‌عنوان روح حاکم بر حوزه اقتصادی، می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه ایفا نماید. از آنجایی که کارگران، از مهمترین کنشگران بخش صنعت اقتصاد هستند، توجه به روابط آن‌ها با سایر کنشگران صنعتی، می‌تواند نقش به‌سزایی در درک تغییرات کلان جامعه داشته باشد.

تضادهای کارگری را می‌توان موضوعی بین‌رشته‌ای قلمداد کرد که در حوزه جامعه‌شناسی صنعتی قرار داد. تضادهای کارگری در دوره‌های مختلف ایران می‌طلبد که تحقیقات گسترده‌ای درباره آن صورت گیرد. تحقیق حاضر، سعی در مطالعه تضادهای کارگری در روابط صنعتی دوره پهلوی اول دارد. به کارگیری نتایج این تحقیق می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی-اقتصادی مورد توجه برنامه‌ریزان این حوزه قرار گیرد. محقق، امیدوار است با شناسایی عوامل مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره رضاشاه، نواقص پژوهشی موجود در حوزه را بکاهد و به محققین و سیاست‌گذاران حوزه کار، در شناخت دقیق زمینه و محتوای تضادهای کارگری و روابط صنعتی و کشف راه‌حل‌های عملی و مؤثر یاری رساند. با توجه به مباحث مطرح شده، سوال تحقیق را می‌توان بدین گونه مطرح کرد: عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره رضاشاه کدام عوامل بودند؟

پیشینه تحقیق

در ایران، در زمینه روابط صنعتی، مطالعات اندکی یافت می‌شود (زاهدی، 1390؛ بهشتی، 1386؛ دادخواه، 1389). نویسندگان این کتاب‌ها، تنها به تعریف روابط صنعتی و بیان چند مفهوم نزدیک به روابط صنعتی بسنده کرده‌اند و از ارائه روابط تحلیلی بین متغیرها غافل بوده‌اند. احمد اشرف در بخش‌هایی از کتاب خود با عنوان "موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه"، به بررسی تاریخی پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اصناف و انجمن‌های صنفی در ایران می‌پردازد. وی بیان می‌کند که برخی

5.....

از شرق‌شناسان، مانند پیگولوسکایا، سرآغاز اصناف در ایران را به دوران ساسانیان می‌رسانند و خود وی اعتقاد دارد که منشا اصناف اسلامی به قرن سوم هجری برمی‌گردد. اشرف معتقد است که در ابتدا اصناف در برابر حکومت، خودفرمان و مستقل بودند که این وضعیت از زمان صفویه به این سو تغییر یافت و نظارت حکومت بر عملکردها و تصمیمات اصناف بیشتر شد. از نظر حکومت این انجمن‌های صنفی وسیله مناسبی بود تا بتوان از طریق آن‌ها، از صاحبان حرف مالیات دریافت کرد. بدین ترتیب کم‌کم انجمن‌های صنفی تبدیل به سازمان‌هایی شدند که حکومت از طریق آن‌ها می‌توانست مالیات بگیرد (اشرف، 1359: 28 – 33).

در مورد اعتصابات کارگری قبل از انقلاب، تحقیقی که از منظر روابط صنعتی به موضوع بنگرد، صورت نگرفته است و تحقیقات مرتبط با اعتصاب، بیشتر از جنبه تاریخی و بعضاً سیاسی به مسئله نگریسته‌اند. نمونه‌هایی از این تحقیقات، تحقیق منوچهری و همکاران درباره اعتصابات کارگری در دوره نخست‌وزیری مصدق است که با دیدی تاریخی تنها به توصیف این اعتصابات پرداخته‌اند (منوچهری و همکاران، 1388).

حبیب لاجوردی (1369) در کتاب خود با عنوان "اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران" به بررسی تاریخچه پیدایش اتحادیه‌های کارگری در ایران پرداخته است. وی کتاب خود را بر پایه بحث جورج لاج مطرح کرده که این اندیشمند می‌گوید که در کشورهای روبه‌توسعه، میدان دادن به اتحادیه‌های کارگری مستقل، تدبیری مؤثر برای مبارزه با نفوذ کمونیسم است. وی در ادامه مطرح می‌کند که چرا در کشورهایی چون ایران که برای مبارزه با نفوذ کمونیسم تلاش می‌کنند، چرا چنین اجازه‌ای به اتحادیه‌های کارگری نمی‌دهند؟ در ادامه کتاب، نویسنده در پی پاسخگویی به این سوال است.

6.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

هرچند مطالعات اندکی در زمینه روابط صنعتی علی‌الخصوص تضادهای کارگری در ایران صورت گرفته، اما با توجه به همین تحقیقات اندک، که از جنبه‌های گوناگون به بررسی روابط بین کارگر، کارفرما و دولت پرداخته‌اند، می‌توان دریافت که روابط صنعتی در ایران در دوره‌های مختلف دچار اختلال بوده‌است و تضادهای کارگری متعددی وجود دارد. اندک بودن مطالعات قبلی از یک‌سو و کم بودن بررسی‌های جامعه‌شناختی روابط صنعتی در ایران از سوی دیگر، اولاً سبب می‌شود که تحقیق حاضر، از دستیابی به تحقیقات قبلی و یافته‌ها و نتایجی که آن‌ها می‌توانستند داشته باشند، محروم بماند؛ ثانیاً، این تحقیق می‌تواند به‌عنوان پیشرو در زمینه مطالعه جامعه‌شناختی روابط صنعتی در ایران، راه را برای مطالعات بعدی هموار سازد.

مروری بر مفاهیم و نظریات

نظریه‌های مختلفی در باب روابط صنعتی و تضادهای کارگری وجود دارد. نظریه‌های وفاق، تضادی را بین کنشگران نمی‌بینند و اعتقاد دارند که صاحبان سرمایه و کار، شریکانی برای هدف مشترک، یعنی تولید مؤثر، پُرمفعت و همچنین حقوق خوب هستند. نظریه پردازان تضاد، به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست آن‌هایی که معتقدند باید تضاد سیاسی و تضاد صنعتی را دو مقوله جدا از هم در نظر گرفت و باور داشت که تضاد صنعتی را می‌توان از طریق اتحادیه‌ها و سازمان‌های کارفرمایی تنظیم کرد؛ دوم نظریه تکثرگرایی که در مقابل نظریه وفاق قرار می‌گیرد و بر این باور است که روابط صنعتی، دربرگیرنده تعدادی از گروه‌های مورد نظر می‌باشد که بایبوندی ضعیف در کنار یکدیگر نگه داشته شده‌اند و سازمان کار نیز از همین طریق با مدیریت در حالت تعادل نگه‌داشته می‌شود و بر اهمیت اتحادیه‌های کارگری تأکید می‌کنند. نظریه پردازان مارکسیست، برخلاف طرفداران نظریه‌های تکثرگرایی و وفاق، تضاد سیاسی و تضاد صنعتی را بایکدیگر مترادف می‌دانند و از نظر آن‌ها، ستیز طبقاتی بین سرمایه و نیروی کار در جامعه

امری مستمر تلقی می‌شود، حتی جایی که اتحادیه‌های کارگری وجود ندارند. براساس نظریه سیستمی، هر مجموعه، از اجزای وابسته به هم که در ارتباط متقابل بوده و در عین حال بر محیط تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند، تشکیل شده‌است؛ دانلوپ که از مهمترین نظریه پردازان این تئوری است، سیستم روابط صنعتی را شامل کنشگران، قوانین، تصمیم‌گیری‌ها، زمینه‌ها و ایدئولوژی می‌داند که هر کدام از این متغیرها، نقش بسزایی در چرخه روابط صنعتی ایفا می‌کنند.

براساس نگرش سیستمی، هر مجموعه از اجزای وابسته به هم که در ارتباط متقابل بوده و در عین حال بر محیط تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند، تشکیل شده‌است. سیستم روابط صنعتی سیستمی باز است که با محیط خود و سایر سیستم‌ها رابطه دارد. دانلوپ مدل خود از سیستم روابط صنعتی را از تعریف سیستم اجتماعی پارسونز اخذ کرده‌است (Hyman, 2001: 121). طبق نظر دانلوپ، یک سیستم روابط صنعتی در هر مرحله‌ای از تأسیس آن شامل کنشگران مشخص، زمینه مشخص و ایدئولوژی‌ای که سیستم روابط صنعتی را به هم پیوند می‌دهد و پیکره‌ای از قوانین برای هدایت کنشگران در کارشان و جامعه کاری است. این شبکه با بافت قوانین، که شامل روش‌های تدوین قوانین و روش‌های تصمیم‌گیری در کاربرد آن‌ها در وضعیت‌های بخصوص است، محصول سیستم هستند. تدوین و اجرای این قوانین نتیجه عمده سیستم روابط صنعتی از جامعه صنعتی می‌باشد. این قوانین انواع مختلفی به گونه‌های مکتوب، شفاهی، سنتی و تجربی دارد که شامل تصمیمات مدیریت، مقررات اتحادیه‌های کارگری، قوانین محلی، مقررات سازمان‌های وابسته به دولت، قراردادهای اجتماعی و قوانین کار می‌شوند. این قوانین روابط صنعتی باید به وسیله متغیرهای مستقلی از یک سیستم روابط صنعتی توضیح داده شوند (Dunlop, 1958: v, ix, viii). دانلوپ به مسئله تضادهای کارگری، براساس دیدگاه سیستمی نگاه کرده و به اعتقاد وی تضاد بین کارگر و کارفرما، در مرحله فرآیند قرار دارد و این تضاد، در داخل سیستم روابط صنعتی قابل حل است. فاینمور،

8.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

از جمله نظریه پردازان نظریه سیستمی می باشد که با الگو گیری از دانلپ به ارائه مدل روابط صنعتی پرداخته است. سیستم روابط صنعتی فاینمور، مبتنی بر یک مدل سیستم باز است که پیوندهای بین عوامل محیطی را که بر بازیگران روابط کار و اهداف و پایه های قدرت آنها تأثیر می گذارد و نیز ساختارها و رویه هایی که برای نهادینه سازی و کنترل تعارض ایجاد شده اند را ردیابی می کند. نتایج احتمالی این فرآیندها نیز در مدل گنجانده شده است که به محیط بازمی گردند و یک سیستم پویا پیوسته ایجاد می کنند.

چلبی، از اختلال های اجتماعی نام می برد که نظم اجتماعی را به خطر می اندازند. به وجود آمدن اختلال اجتماعی، بر سایر بخش های جامعه اثر می گذارد. نظم / اختلال اجتماعی، نقش مهمی می تواند در روابط صنعتی بازی کند. با تلفیق مدل روابط صنعتی فاینمور و مدل اختلال های اجتماعی چلبی می توان به مدلی دست یافت که تبیین کننده تضادهای کارگری در دوره رضاشاه باشد.

با توجه به چارچوب نظری، می توان فرضیه اصلی تحقیق را بدین صورت بیان کرد: به نظر می رسد انواع اختلالات اجتماعی در جامعه، تضادهای کارگری را تشدید می کند.

روش شناسی تحقیق

برای شناخت زمینه های تاریخی تضادهای کارگری و روند به وجود آمدن آنها در طول زمان، از روش مطالعه تاریخی، استفاده می شود. هدف مطالعه تاریخی، بازسازی گذشته در زمینه موضوعی خاص است که در زمان حال تدوین می شود. دستیابی به این هدف، مستلزم جمع آوری اطلاعات به صورتی منظم، عینی، ارزش یابی و تلفیق اسناد و مدارک و رسیدن به نتایج قابل دفاع است. تحقیق تاریخی با استفاده از اسناد و مدارک انجام می شود تا از این طریق بتوان ویژگی های عمومی و مشترک پدیده ها و حوادث تاریخی و دلایل بروز آنها را تبیین کرد (حافظنیا، 1386). تحقیق تاریخی به دلیل عدم حضور محقق در صحنه واقعه، مبتنی بر اسناد و مدارک است (گال و همکاران، 1386). در تحقیق

تاریخی بر خلاف سایر روش‌های تحقیق، به یافتن داده‌ها پرداخته می‌شود نه تولید داده‌ها (سرمد و همکاران، 1376). بر همین اساس، نکته اساسی در تحقیقات تاریخی، اعتبار اسناد و مدارک مورد بررسی است. در این روش، ابتدا توصیفی دقیق از بازه زمانی مورد بررسی ارائه می‌شود و سپس وقایع مهم مرتبط تاریخی در رابطه با روابط صنعتی و تضادهای کارگری به صورت زنجیره‌های تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت با توجه به مبانی نظری تحقیق، تلاش می‌شود تا مدلی برای این دوره ارائه گردد. در این تحقیق، از روش اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شد. اسناد و مدارک تاریخی مورد مطالعه قرار گرفت و تلاش شد که با مطالعه اسناد تاریخی و مدارک موجود در حوزه تضادهای کارگری، انواع این تعارضات در دوره مذکور، مورد مطالعه قرار گیرد. کتاب‌های موجود در این زمینه، کتاب‌های ترجمه شده، اسناد آرشیوی در کتابخانه‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات از جمله منابعی بودند که مورد استفاده قرار گرفتند. روند کار بدین صورت بود که ابتدا حدود 120 منبع مرتبط با تحقیق، جمع‌آوری شدند. با توجه به این که برخی از منابع، منبعی دست اول بودند، سویه علمی داشتند و مستندات دقیقی به کار برده بودند، 27 کتاب و مقاله از میان سایر منابع انتخاب گردیده و مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها

مهمترین یافته‌های تحقیق در دو بخش ارائه می‌شود: شرایط ساختاری کشور که نشان‌دهنده وضعیت اختلالات اجتماعی در دوره پهلوی اول است و تضادهای کارگری که وضعیت تعارضات کارگری را در روابط صنعتی این دوره مورد بررسی قرار می‌دهد.

شرایط ساختاری

پس از جمع‌آوری داده‌های مرتبط، کدگذاری اولیه صورت گرفت که 59 مورد اصلی شناسایی شدند. با توجه به موارد شناسایی شده کدگذاری ثانویه انجام شد که در نهایت 4 مقوله وضعیت سیاسی، وضعیت

10.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

اجتماعی، وضعیت فرهنگی و وضعیت اقتصادی مورد شناسایی قرار گرفت. در ادامه، به بررسی هر کدام از مقولات پرداخته می‌شود.

1. وضعیت سیاسی کشور

مهمترین جوانب وضعیت سیاسی کشور در دوره رضاشاه شامل جنبه‌هایی چون تمرکزگرایی، نظامی‌گری، دخالت شاه در امور مجلس و عدم رابطه حکومت با طبقات و نیروهای اجتماعی بود. در دوره قاجاریه، ایران، تحولات و اتفاقاتی بسیار مهمی را شاهد بود که تا این زمان سابقه نداشت. از جمله این که اولاً ایران برای اولین بار تحت سلطه استعمارگران به‌ویژه انگلیس و روسیه قرار گرفت و ثانیاً در نیمه دوم حکومت شاهان قاجار، برای نخستین بار مجلس و احزابی شکل گرفت ولی به دلایل مختلفی نتوانستند به درستی رسالت خویش یعنی کنترل شاهان و استبداد را در ایران بنیان نهند و همچنان ایران با بحران دموکراسی و نبود قانون مواجه بود. با دخالت بیگانگان و شروع جنگ جهانی اول، ایران با مشکل تجزیه و چندپارگی مواجه شد و در این مقطع زمانی بسیار حساس، احمد شاه قاجار به عنوان آخرین شاه قاجار با توجه به شخصیت ضعیفش، توان مقابله و حل مشکلات داخلی و خارجی را از طریق نهادهایی همچون قشون و مجلس نداشت.

در اواخر حکومت قاجار وضعیت سیاسی کشور آشفته بود. در سیستان و بلوچستان، بالاخص در بیرون شهرها، اثر چندانی از حکومت و دولت مرکزی وجود نداشت. در بیرجند نیز وضعیت مشابهی وجود داشت و خوانین محلی از جمله خاندان "خزیمه علم" (جد پدری امیر اسدالله علم)، بر آنجا حکم می‌راندند. در مشهد و شهرهای اطراف آن، "کلنل محمدتقی پسیان"، فرمانده ژاندارمری، قدرت را در دست داشت و به دنبال بروز اختلافاتی با تهران، عملاً متمرّد شده و اعلام استقلال کرده بود. در استرآباد (گرگان)، یکی از خوانین محلی به اسم "احمدخان حکیمی" حکومت می‌کرد. هر چند وی اعلام استقلال

نموده بود ولی خود سیستم حکومتی برپا کرده بود. طایفه بزرگ سواد کوهی‌ها به سرکردگی "اسماعیل خان امیر مؤید سواد کوهی" در شرق مازندران و طایفه تنکابنی‌ها به سرکردگی "محمدولی خان تنکابی" در غرب آن حکم می‌راندند. "میرزا کوچک‌خان جنگلی"، رئیس جنبش جنگلی‌ها در رشت، رسماً و عملاً پرچم حاکمیت مستقل از تهران را بالا برده بود و نام حکومتش را نیز "جمهوری سوسیالیستی سوویت گیلان" انتخاب کرده بود. در آذربایجان نیز، حکام مختلفی به صورت خودمختار و مستقل از دولت مرکزی وجود داشتند. در شمال آذربایجان، قدرت در اختیار "مرتضی قلی‌خان اقبال‌السلطنه ماکویی"، بزرگ ایل بیات بود که در عین حال، رهبر تعدادی از عشایر شمال آذربایجان نیز به شمار می‌رفت. در تبریز و برخی شهرهای بزرگ‌تر، فرقه دموکرات به رهبری "شیخ محمد خیابانی"، از مدت‌ها پیش ارتباط خود را با پایتخت قطع کرده بود. در آذربایجان غربی نیز "اسماعیل خان سیمیتقو"، بر مناطق وسیعی به صورت مستقل از حکومت مرکزی حکومت می‌کرد. مجموعه عشایر و قبایل خوزستان به رهبری "شیخ خزعل"، اعلام استقلال نموده بودند و در خرمشهر امارت برقرار کرده بودند (زیباکلام، 1398: 31 - 33).

در این برهه از زمان، رضاخان ظهور کرد که برخلاف آخرین شاه قاجار، دارای جسارت و ذکاوت فراوانی بود و از تمام امکانات برای رسیدن به قدرت استفاده کرد. رضاخان از بزنگاه‌هایی مانند عدم کارایی مجالس و کابینه‌های پیشین، جنگ جهانی اول و دخالت عوامل بیگانه که باعث مشکلات و حوادثی در ایران شده بود، به نفع خویش استفاده نمود. وی با طی کردن مسیری با باز خورد مثبت و عقلانی بدون وقفه و با تمام امکانات از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ با کارآمد ساختن نهادها، برای به‌چنگ آوردن قدرت استفاده کرد. رضاشاه پس از کودتای ۱۲۹۹ با بهره‌گیری از نهاد قشون که تا قبل از وی به دلیل نداشتن ساختار درست و قوی، کارایی قابل‌قبولی نداشت، توانست به همراه نهاد مجلس و با پشتیبانی جریان‌های

12... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

فکری، نظام سیاسی را کاملاً تحت سلطه مستقیم خویش درآورد. بنابراین، اگرچه سرچشمه قدرت رضاخان اساساً نهاد نظامی بود ولی به واسطه ائتلاف هدفمند با گروه‌های مختلف درون و بیرون مجلس چهارم و پنجم شورای ملی، به منظور مشروعیت بخشیدن به اقدامات و برنامه‌هایش توانست حکومت قاجاری را منقرض کند و به قدرت مطلق تبدیل گردد.

رضاشاه به ارتش به‌عنوان پایه اصلی نظام خود تکیه می‌کرد. در زمان وی، بودجه دفاعی سالانه از سال 1304 تا 1320 بیش از پنج برابر شد و قانون سربازگیری موجب افزایش امکان دسترسی به جمعیت شد. شمار افراد مسلح از 40000 نفر به 127000 نفر افزایش یافت (آبراهامیان، 1384: 169). در مورد ایلات و عشایر نیز اقدامات نظامی دنبال شد. رضاشاه با شکست دادن قبائل، تلاش می‌کرد تا با توسعه پاسگاه‌ها در آن نواحی، خلع سلاح افراد مسلح، به سربازی فرستادن جوانان قبائل، تضعیف روسا، محدود کردن کوچ‌های سالیانه، قدرت خود را تضمین نماید (فوران، 1392: 176).

رضاشاه همچنین نظام جدید خود را با بوروکراسی نوین دولتی تقویت کرد. وی کم‌کم تجمع گاه‌به‌گاه مستوفیان سنتی، میرزاهای موروثی و وزرای بدون ادارات ایالتی را به حکومتی با حدود 90000 کارمند تمام وقت مستقر در 10 وزارتخانه داخله، امور خارجه، عدلیه، مالیه، آموزش، تجارت، پست و تلگراف، کشاورزی و راه و صنعت تبدیل کرد. تقسیمات کشوری قدیمی که عبارت بود از چند ایالت بزرگ و ولایت‌های کوچک بی‌شمار، منسوخ شد و به جای آن، وزارتخانه داخله، اداره 11 استان، 49 شهرستان و تعداد زیادی بخش و دهستان را برعهده گرفت (آبراهامیان، 1384: 169-170).

رضاشاه امتیازات سده نوزدهم را که به اروپاییان مصونیت قضائی فراسرزمینی داده بود، لغو کرد و میلسپو را از سمت خزانه‌داری کل برکنار کرد و معتقد بود که در یک سرزمین نمی‌تواند دو شاه وجود

داشته باشد. حق چاپ اسکناس از بانک شاهی انگلیس گرفت و به بانک مرکزی ایران داد (فوران، 1392: 178).

آبراهامیان (آبراهامیان، 1384: 171-172) معتقد است از مجلس ششم تا سیزدهم، شخص شاه نتایج انتخابات و ترکیب هر مجلس را تعیین می‌کرد. همچنین رضاشاه، برای افزایش قدرت خود، روزنامه‌های مستقل را تعطیل کرد، مصونیت پارلمانی نمایندگان را سلب کرد و احزاب سیاسی را از بین برد. این امر باعث شد که بسیاری از نخبگان و اعضای احزاب، ناراضی باشند و کمتر از وی پشتیبانی کنند. بشیریه (بشیریه، 1389: 68-69) اعتقاد دارد که به‌طور خلاصه، متمرکز ساختن منابع و ابزارهای قدرت، ایجاد وحدت ملی، تأسیس ارتش مدرن، تضعیف قدرت پراکنده، ایجاد دستگاه بوروکراسی جدید و اصطلاحات مالی و متمرکز منابع اداری، مبانی دولت مطلقه مدرن، از مهمترین اقدامات رضاخان و هم‌فکرانش بود اما بزرگ‌ترین ضعف این دولت نداشتن رابطه با طبقات و نیروهای اجتماعی بود.

2. وضعیت اجتماعی کشور

وضعیت اجتماعی کشور در این دوره، دربرگیرنده جنبه‌هایی چون رشد جمعیت، دگرگونی ساخت جمعیتی کشور برحسب محل سکونت (شهری، روستایی و عشایری) و انجام بسیاری اصلاحات اجتماعی می‌باشد. شرایط عمومی جمعیتی در دوره نخست پهلوی گویای آن است که در این دوره ساختار جمعیتی کشور رشد مداوم و توأم با جابجایی‌های داخلی داشته است. کل جمعیت ایران از حدود 10 میلیون نفر اواخر دهه 1290 شمسی به 14.6 میلیون نفر در سال 1319 رسید و رشدی حدوداً 50 درصدی پیدا کرد (فوران، 1392: 342). بر اثر سیاست‌های جمعیتی رضاشاه، به‌ویژه اسکان عشایر، ساخت ایلی و عشایری جمعیتی دگرگون شد. در حالی که جمعیت عشایر ایران در اوایل قرن بیستم

14.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

حدود 2.4 میلیون نفر برابر یک چهارم جمعیت کشور بود، تنها یک پنجم جمعیت شهرنشین بودند و مابقی در روستاها زندگی می کردند (باریر، 1363: 22). اما در سال 1319، ایران دارای 3.2 میلیون نفر جمعیت شهرنشین (22 درصد)، یک میلیون نفر جمعیت ایلی و عشایری (6.9 درصد) و 10.35 میلیون نفر جمعیت روستایی (71.7 درصد) شد. بدین ترتیب جمعیت ایران تا اندازه‌ای در پایان این دوره بیشتر شهری و صنعتی بوده اگرچه باز هم بخش بزرگی از جمعیت بر روی زمین کار می کرده است (فوران، 1392: 343).

رضاشاه سعی داشت به اصلاحات اجتماعی نیز دست زند؛ هرچند طرح و برنامه جامعی برای نوسازی ارائه نداد. از یک سو وی تلاش داشت دور از نفوذ روحانیون و نیروهای مذهبی، دسیسه‌های خارجی، شورش‌های قبیله‌ای و اختلافات قومی کشور را به پیش برد و از سوی دیگر نهادهای آموزشی غربی، ساختار اقتصادی نوین، شبکه‌های ارتباطی، بانک‌های سرمایه‌گذاری و فروشگاه‌های بزرگ را گسترش دهد (فوران، 1392، 174). از سال 1304 تا 1320، میزان ثبت‌نام سالانه آموزش و پرورش 12 برابر افزایش یافت. توسعه اقتصادی دوره رضاشاه نیز با پیشرفت‌هایی در حوزه ارتباطات مخصوصاً خط آهن آغاز شد.

فوران (فوران، 1392، 186) اعتقاد دارد رضاشاه از جهت داشتن وسایل اجبار و زورگویی قدرتمند بود ولی از این لحاظ که نتوانست وسایل و نهادهای قهری را بر ساختار طبقاتی و پایگاه اجتماعی مبتنی کند، ضعیف بود.

3. وضعیت فرهنگی کشور

در مقوله وضعیت فرهنگی، می توان به جنبه‌های مختلفی چون یکپارچه‌سازی فرهنگی، کشف حجاب، تاکید بر ناسیونالیسم و تاسیس سازمان‌های فرهنگی اشاره کرد. به لحاظ فرهنگی، دولت رضاشاه درصدد

بود با اعمال سیاست یکپارچه‌سازی فرهنگی، تمرکزگرایی قدرت را محقق سازد؛ چرا که دیگر سیاست‌های دولت رضاشاه همچون ایجاد ارتشی واحد، اسکان عشایر و مواردی از این قبیل به‌تنهایی نمی‌توانست موجب بقای تمرکز قدرت وی شوند. تنوع قومی و فرهنگی جامعه ایران به‌همراه تنوع اقلیمی، خود مانع عمده‌ای بر سر این راه بود. بنابراین دولت رضاشاه تلاش داشت با از بین بردن اختلافات فرهنگی جامعه ایرانی و تبدیل آن به جامعه‌ای با زبان و فرهنگ و آداب و رسوم و معتقدات و آرمان‌های مشترک به وجود آورد و سیاست تمرکزگرایی را نهادینه سازد. در این راستا، قوانین مختلفی تدوین و اجرا شد و مراکز و سازمان‌هایی تاسیس گردید. کشف حجاب، تشکیل فرهنگستان زبان فارسی، ترویج ناسیونالیسم، تاسیس سازمان پرورش افکار و تغییر تقویم هجری از جمله تلاش‌ها برای رسیدن به این اهداف بود.

کشف حجاب و تشویق به بی‌حجابی از جمله اقداماتی بود که در زمان رضاشاه صورت گرفت. در مهر سال 1313، دولت با صدور اعلامیه‌ای، مردم را برای پذیرش آموزگاران بی‌حجاب زن در مدارس دخترانه آماده کرد. ماموران نیروی انتظامی، دستور ویژه‌ای دریافت کردند مبنی بر این که از زنان بی‌حجاب در خیابان‌ها و معابر حمایت کنند. بازرسان زن نیز از سوی وزارت فرهنگ ماموریت یافتند که به مدارس دخترانه رفته و به تدریج شاگردان را آماده ترک حجاب کنند (بامداد، 1347: 91). تغییر لباس و رواج کلاه پهلوی و سپس کلاه شاپو، گام دیگری بود که رضاشاه برای همسان‌سازی انجام داد.

ناسیونالیسم نیز از مهمترین ابعاد قدرت دولت رضاشاه بود که به‌عنوان یک ابزار مهم برای تشکیل دولت متمرکز و مقتدر در اختیار رضاشاه قرار گرفت. رضاشاه، از ترویج ناسیونالیسم دو هدف عمده داشت که لازم و ملزوم یکدیگر بودند؛ اول این که جامعه ایران را در قالب یک ملت مدرن انسجام بخشد و دوم این که از این طریق قدرت مطلقه خویش را در چارچوب ایران نو تنظیم کند. همچنین، در زمان رضاشاه، چاپ و نشر کتب به زبان‌های ترکی، کردی و غیره ممنوع شد (کاتوزیان، 1380: 436). افراط

16... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

رضاشاه در ناسیونالیسم، سبب شد که بسیاری از اقوام ایرانی، سیاست‌های وی را تبعیض‌آمیز قلمداد کنند و در برابر یکسان‌سازی فرهنگی مقاومت کنند و حتی فرهنگ خود را جدای از فرهنگ ایرانی بدانند. با تاسیس فرهنگستان زبان فارسی، تلاش شد تا این زبان را از لغات و واژه‌های بیگانه، تهی سازند. ثمره این اقدام، پیشنهاد واژه‌های جدیدی بود که برای بسیاری از مردم، بسیار نامأنوس می‌نمود. بر همین اساس، اسامی بسیاری از شهرها و روستاهای کشور که به زبان بومی مناطق بودند، تغییر یافت که نتیجه‌ای جز نارضایتی مردم آن مناطق نداشت. دستگاه‌های اداری، براساس دستورالعمل‌های دولتی، وظیفه داشتند در مکاتبات رسمی از این واژه‌ها استفاده کنند.

سازمان پرورش افکار نیز از جمله سازمان‌های فرهنگی دوره رضاشاه بود که در سال 1317 تأسیس شد. در صورت لزوم از صاحب‌نظران دعوت می‌شد تا در جلسات کمیسیون‌ها شرکت کنند و نظرات خود را ابراز دارند. این سازمان دارای شش کمیسیون بود: کمیسیون کتب کلاسیک، وظیفه داشت کتب درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها را اصلاح کند و افکار میهن‌دوستی و شاه‌پرستی را در مندرجات آن‌ها بگنجاند. کمیسیون مطبوعات، بر شیوه نامه‌نگاری در ادارات و مؤسسات دولتی و همچنین مطبوعات نظارت می‌کرد. کمیسیون سخنرانی، دستورالعمل‌ها و عناوین موردنظر سازمان پرورش افکار را که در سخنرانی‌ها باید مورد توجه قرار گیرند، تهیه می‌کرد و در اختیار سخنرانان قرار می‌داد. کمیسیون موسیقی نیز با هدف اصلاح موسیقی کشور و ترویج موسیقی ملی ایجاد شده بود. کمیسیون نمایش نیز وظیفه نظارت بر سینما و تربیت هنرجویان را برعهده داشت. کمیسیون رادیو نیز وظیفه داشت تا برنامه جامعی تنظیم کند و به تصویب دولت برساند که براساس آن، نطق‌ها، اخبار، موسیقی و برنامه‌های آموزشی از رادیو پخش شود (همراز، 1376: 56-63). سعید نفیسی درباره وظایف سازمان پرورش افکار و هدف از تاسیس آن می‌نویسد که وظیفه مهم سازمان این بود که افکار، آمال و آرزوهای افراد را چنان یکسان

کنند که اتحاد و اتفاق کلمه واقعی در میان ایشان فراهم نشود تا در میان افراد تحصیل کرده به هیچ وجه اندک اختلاف و دوگانگی از این حیث پیش نیاید (نفیسی، 1345: 18)

اصلاحاتی که رضاشاه سعی داشت در حوزه فرهنگ انجام دهد، بیشتر در جهت حفظ قدرت وی بود تا این که ریشه در فرهنگ ایرانی داشته باشد. به همین جهت بود که بسیاری از این اصلاحات پایدار نماند.

4. وضعیت اقتصادی کشور

در دوره رضاشاه، در شیوه مالیات‌گیری اصلاحاتی صورت گرفت و تلاش بر آن شد که با این شیوه‌های نوین، درآمد دولت افزایش پیدا کند. وی ابتدا نظام تبول‌داری را از میان برد و تلاش‌هایی را برای اصلاح مالکیت زمین که در زمان انقلاب مشروطه پیشنهاد شده بود، انجام داد اما این تلاش‌ها را بعداً متوقف کرد. شیوه مالیات‌گیری جدید، اگرچه دولت را ثروتمندتر کرد اما از یک سو این ثروت در مسیر توسعه کشور به کار گرفته نشد و بیشتر سبب ثروتمند شدن خود او و طبقه جدیدی از سرمایه‌داران، تجار و انحصارگران شد و از سوی دیگر تورم، مالیات‌ها و سایر درآمدها، سطح زندگی مردم را پایین آورد (مبارکی، 1391: 356؛ کاتوزیان، 1374: 179).

به نظر می‌رسد تا قبل از سال‌های دهه 1310 شمسی، سیاستی برای صنعتی کردن کشور وجود نداشت، با تغییر اوضاع سیاسی در سال 1304، سیاست صنعتی کردن کشور و توسعه ارتباطات، مهمترین کارهای عمرانی را تشکیل می‌داد. تا سال 1311 نیز دولت نقش فعالی در امور اقتصادی نداشت؛ ولی از آن به بعد با تنظیم برنامه‌های مختلف، عملاً نقش عمده و رهبری‌کننده را در اقتصاد کشور به دست آورد و اعتبارات و بودجه وسیعی را به صنعت و معدن و ارتباطات اختصاص داد (سوداگر، 1357: 240). همگام با سایر تحولات در دوره رضاشاه، در حوزه صنعت نیز قدم‌های اساسی

18.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

برداشته شد و کشور رشد چشمگیری پیدا کرد، به نحوی که تعداد کارخانه‌ها که در سال 1304 کمتر از 20 واحد بود به 300 واحد در سال 1319 رسید. طبق آمار کوربی، از 105 شرکت فعال این دوره، 21 درصد متعلق به دولت، 55 درصد متعلق به بخش خصوصی، 23 درصد تحت مدیریت مشترک دولتی و خصوصی و 1 درصد هم متعلق به خارجیان بود (فوران، 1392: 354). آبراهامیان نیز بیان می‌کند که در دوران رضاشاه، شمار کارخانه‌های صنعتی مدرن، بدون احتساب تاسیسات صنعت نفت، 17 برابر افزایش یافت. وی نیز آماری مشابه فوران ارائه می‌دهد و بیان می‌کند که در سال 1304، کمتر از 20 کارخانه صنعتی جدید در کشور وجود داشت که تعداد این کارخانه‌ها در سال 1320 به 346 رسید (آبراهامیان، 1384: 183).

باتوجه به ساختار اجتماعی موجود و قدرت خرید پایین اکثر ایرانیان، منطقی بود که دولت برنامه توسعه اقتصادی را شروع کند. سرمایه‌های خصوصی هنوز پیشرفت چندانی نکرده بود و بیشتر جذب کارهایی نظیر معاملات زمین می‌شد تا کارهای صنعتی که غالباً سرمایه‌گذاری اولیه سنگین می‌خواست و بازدهی آن نیز اندک بود. دولت نوسازی از بالا را شروع کرد (کدی، 1387: 167). رضاشاه، به صنعت بیشتر از کشاورزی توجه کرد. در زمینه کشاورزی، پیشرفت اصلی در گسترش و بهبود محصولات صنعتی نظیر ابریشم، چغندر قند، تنباکو، چای و پنبه بود که صنایع جدیدالتأسیس را تغذیه می‌کرد و نیز تدارک سیلو و کارخانه‌هایی برای پاک کردن پنبه، شالی کوبی و خشک کردن و سایر کارها نیازمند یک چنین محصولاتی بود (عیسوی، 1362: 598). در دوره رضاشاه، تأکید نخست بر زیربنا بود؛ به همین دلیل توجه شایانی به حمل و نقل صورت گرفت. حمل و نقل ضعیف، مانع بسیار بزرگی در مقابل تحول و پیشرفت بود. لذا تلاش‌های گسترده‌ای در راه‌سازی صورت گرفت. یکی دیگر از پروژه‌های بلندپروازانه رضاشاه، ایجاد راه آهن سراسری در ایران بود. در سال 1930، خطوط پروازی منظم بین

تهران- بغداد آغاز شد و از سال 1935، خطوط تلفنی به میزان 10000 کیلومتر و 6000 مشترک، شهرهای بزرگ کشور را به هم متصل کرد. همچنین به کمک یک هیئت مالی آمریکایی، نظم‌وترتیبی در سیستم آشفته مالی ایران برقرار گردید و هزینه‌های دولتی کنترل شد (عیسوی، 1362: 595-596). دولت به‌خاطر ایجاد یک ساخت و نظام محکم مالی و مالیاتی و تدارک حمل‌ونقل و قدرت در زمینه فعالیت‌های مستقیم تولیدی، خصوصاً صنایع دخالت کرد. در سال 1924، ورود ماشین‌آلات کشاورزی و صنعتی برای مدت 10 سال از حقوق گمرکی معاف گردید و سپس در سال 1934، برای مدت 10 سال دیگر این دستور تمدید گردید. در سال 1932، این ماشین‌آلات از مالیات راهداری جدید نیز معاف شدند. در کرایه تولیدات ملی که به‌وسیله راه‌آهن حمل می‌شد، تخفیفی حاصل شد و کالاهای صنعتی دارای حق بیمه شدند و برای دولت در خرید این کالاها ارجحیتی حاصل گشت و دولت تا حدی هم بر تأسیسات صنعتی نظارت پیدا کرد. بانک کشاورزی و صنعتی که در سال 1933 ایجاد شدند، وام‌هایی به چندین مؤسسه اهدا کردند. علاوه بر این‌ها، صنایع، از سال 1928 از موازین پشتیبانی چندی که دولت ایجاد کرده بود (تعرفه، سهمیه‌ها، کنترل ارز) سود برد. مدارس صنعتی و کارگاه‌ها، تأسیس یافت و کارگران ماهر تحویل جامعه داد. در نتیجه تعداد زیادی از کارخانه‌های کوچک و متوسط، خصوصاً در زمینه منسوجات و مواد غذایی در سال 1930 توسط مؤسسات خصوصی راه افتاد. علاوه بر این‌ها، خود دولت هم کارخانه‌های متعددی در زمینه تصفیه شکر، سیمان، منسوجات و سایر صنایع تأسیس کرد (عیسوی، 1362: 597).

دوره رضاشاه را می‌توان آغاز نقش‌آفرینی صنعت نفت در اقتصاد کشور دانست (عیسوی، 1362:

593). رضاشاه، بخش اعظمی از درآمدهای کل دولت را صرف ارتش می‌کرد. ارقام رسمی بودجه

نشان می‌دهد که به‌طور متوسط 33.5 درصد (یک‌سوم) کل درآمد دولت در فاصله سال‌های 1926 تا

20... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

1941 میلادی، صرف ارتش شده است. همچنین بخش بزرگی از درآمد نفت، صرف خرید تجهیزات گران قیمت تسلیحاتی و ایجاد صنایع کوچک مهمات سازی در تهران و شهرهای دیگر می شد (فوران، 1392: 333 - 334). توجه بیش از حد رضاشاه به ارتش و قوای نظامی، فرصتی برای ظهور بخش های دیگر صنعت باقی نمی گذاشت.

فوران در تحلیل فرآیند صنعتی شدن دوره پهلوی اول بر این باور است که نخست، صنایع ایجاد شده بسیار تخصصی بودند و تنها در چند شهر بزرگ تهران، تبریز و اصفهان متمرکز بود؛ دوم، فرآیند صنعتی شدن مبتنی بر یک برنامه مشخص صورت نگرفت؛ سوم، تخصیص نامناسب بودجه به طرح های صنعتی موجب شد تا بودجه هنگفت طرح های ناموفقی چون ایجاد راه آهن شمال-جنوب به ضرر دیگر بخش های صنعتی تمام شود؛ چهارم، بخش دولتی به سبب هزینه های بالا و سود اندک، بخشی ضررده به شمار می رفت (فوران، 1392: 355).

رضاشاه علی رغم همراه نمودن بخشی از طبقه بالای قدیمی با خود، در جلب حمایت طبقه متوسط سنتی موفقیت ناچیزی داشت. ایجاد انحصارات دولتی و کارخانه هایی که دولت آن ها را تأمین مالی می کرد، هر چند موجب پیدایش محدود بازرگانان و صاحبان صنایع مرتبط با دربار شد، اما موجبات نارضایتی گسترده جامعه تجاری قدیمی را نیز فراهم ساخت. همچنان که کنسول های انگلیسی اغلب گزارش می دادند، کنترل تجارت خارجی توسط دولت، به زیان تجار خصوصی بود و حتی ورشکستگی هایی به بار می آورد. مالیات های وضع شده بر درآمد و کالاهای مصرفی باعث می شد تا تجار به صورت پنهانی شکایت کنند که هزینه ارتش جدید و پروژه خط آهن بسیار زیاد است. بنابراین، تمرکز اقتصادی، مخالفت بازاریان دیگر استان ها را برانگیخت (آبراهامیان، 1384: 188). با مقایسه

وضعیت ایران با کشورهای منطقه، می‌توان به وضعیت کلی اقتصاد ایران در این دوره پی برد. جدول زیر، برخی از شاخص‌های اقتصادی را در سال 1938 در ایران، مصر و ترکیه نشان می‌دهد:

جدول 1: مقایسه برخی از شاخص‌ها در ایران، مصر و ترکیه در سال 1938
(سازمان ملل، کتاب سال بین‌المللی آمار، سال 1939 و 1940؛ به نقل از عیسوی، 1362: 599)

شاخص	ایران	مصر	ترکیه
جمعیت (میلیون)	15	16/4	17/1
واردات (میلیون دلار)	55	184	119
راه‌آهن (کیلومتر)	1700	56/6	7324
اتومبیل	15000	33700	11300
محصولات سیمانی (تن)	65000	375000	287000
محصولات شکر تصفیه شده (تن)	22000	238000	247000
محصول حبوبات	3/09	3/63	6/46
محصول پنبه (تن)	34000	400000	52000
مصرف انرژی	1/55	2/05	2/18
محصّلین مدارس	234000	1309000	810000

ایران، هرچند در بسیاری از شاخص‌ها هنوز از مصر و ترکیه عقب‌مانده‌تر است اما نسبت به اوایل دوره رضاشاه، پیشرفت چشمگیری داشته است.

پژوهش‌های جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی جامعه‌شناسی

تضادهای کارگری در دوره رضاشاه

در این قسمت به بررسی وضعیت کارگران و همچنین تضادهای کارگری این دوره، پرداخته می‌شود. در این قسمت نیز، با توجه به کدگذاری‌های صورت گرفته، مقولات اصلی شناسایی شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند.

الف) کارگران صنعتی در این دوره

22.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

کامبخش (کامبخش، بی تا، 34 - 3؛ به نقل از نعمتی فیروزآباد، 1396: 134) اعتقاد دارد تا سال 1306، به جز کارگران نفت جنوب، کارگر صنعتی به معنای واقعی آن در ایران به وجود نیامده بود و کارگران ایران عبارت بودند از کارگران چاپخانه‌ها، کارگران قالیباف، باربران بنادر و کارگران شیلات، کارگران انواع صنایع دستی و بازار. از اواخر حکومت قاجار و سال‌های نخست به قدرت رسیدن رضاخان، صنایع جدید در ایران رو به گسترش نهاد. در سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه، بر پایه آمار بانک ملی ایران در کشور 680 کارخانه ماشینی (قند، پنبه، نوشابه‌سازی، نساجی، جوراب‌بافی، روغن‌کشی، کبریت‌سازی، چرم‌سازی، نجاری، صنایع فلزی و غیره) وجود داشت که 44316 کارگر در آن مشغول به کار بودند (پورشافعی، 1385: 220). در اوایل دهه 1300، اغلب کارگران ایرانی هنوز در صنایع دستی و دیگر صنایع کوچک سنتی مشغول به کار بودند. برای مثال در سال 1306 در تهران در حالی که 5000 پیشه‌ور و 7000 کارآموز در حرفه‌های گوناگون، به کار مشغول بودند، تنها چندصد تن در کارخانه‌های کوچک و جدیدی همچون کارخانه‌های اسلحه‌سازی، نساجی، چاپخانه و کارخانه برق کار می‌کردند. در دهه 1310، اندازه و قابلیت حرفه‌ای کارخانه‌ها افزایش یافت. تا اواخر این دهه بیش از 260000 کارگر در بخش‌های گوناگون صنعت و معدن، ساختمان، حمل‌ونقل وجود داشتند که به بیش از دو برابر تعداد کارگران در قیل از جنگ جهانی اول بالغ می‌شد (اشرف و همکاران، 1386: 96). تاسیس چند کارخانه بزرگ، از جمله کارخانه اسلحه‌سازی دولتی (با 2300 کارگر)، کارخانه دخانیات (با 3300 کارگر) و چند کارخانه نساجی بزرگ هر یک با 500 تا 1000 کارگر در اصفهان و تبریز، نسبت کارگران شاغل را در کارخانه‌های بزرگ افزایش داد. در ابتدای دهه 1320، تعداد 29930 کارگر که تقریباً یک سوم از نیروی کار صنعتی را تشکیل می‌دادند در کارخانه‌هایی با بیش از 500 کارگر مشغول به کار بودند. در همین دوره، نسبت کارگران فصلی از 15 درصد به 6.5 درصد

کاهش یافت (اشرف و همکاران، 1386: 97). در سال 1320 بودجه صنایع تقریباً 50 برابر رقم مربوط به 1313 بود و در نتیجه آن، درصد سهم صنایع و بازرگانی از 3.1 درصد در سال 1313 به 24.1 درصد کل بودجه سال 1320 رسید؛ اما افزایش نیروی کار صنعتی به اندازه افزایش عمومی در ظرفیت تولید آشکار نبود و این ناشی از [هجوم] سرمایه برای کارخانه‌های بزرگ‌تر بود؛ در سال 1320، نیروی کار صنعتی به جز بخش نفت، تقریباً سه برابر ده سال پیش از آن بود (کاتوزیان، 1374: 177). آمارهای مختلف نشان از افزایش تعداد کارگران صنعتی در دوره رضاشاه دارد. در این دوره، قشر کارگر، اندک اندک گسترش می‌یافت و مباحث بیشتری پیرامون آن مطرح می‌شد.

ب) دستمزد

اقدامات رضاشاه، برای پیشبرد صنعت، تأثیرات متفاوتی بر وضعیت قشرهای مختلف جامعه بر جای گذاشت؛ از جمله بر کارگرانی که در بخش زیرساخت‌ها و کارخانه‌های تازه تأسیس فعالیت داشتند. سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی دولت بر جایگاه اجتماعی و اوضاع معیشتی این طبقه تأثیرگذار بود. کشور ایران، تازه در مدار صنعتی شدن قرار گرفته بود و توجه به عوامل زیربنایی و نادیده گرفتن شرایط کار کارگران و وضع مالیات بر کالاهای معیشتی آنان مانند قند و شکر، باعث می‌شد که کارگران نیز مانند اقشار پایین جامعه در وضعیت نابسامان به سر برند. با این‌که دستمزدها بسیار پایین بود اما همین دستمزد کم، به‌موقع به کارگران پرداخت نمی‌شد. مهمترین عاملی که باعث می‌شد اعضای حزب کمونیست به‌راحتی بین کارگران نفوذ کنند و باعث اعتصابات و حتی تعطیلی کارخانه‌ها و شرکت‌ها شوند، همین عامل اقتصادی، یعنی به‌موقع پرداخت نشدن حقوق کارگران و محروم بودن کارگران از کوچک‌ترین حقوق خود بود (نعمتی فیروزآبادی: 1396: 135).

24.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

باید توجه داشت که دستمزد کارگران بر طبق محل کار، فصل، کارخانه، جنسیت کارگر، سن و توانایی کارگر متفاوت بود. مثلاً در سیستان و بلوچستان و قائنات، دستمزد کارگران، به مراتب پایین تر از کارگران شهرهای بزرگ کشور بود. دستمزد کارگر در اوایل سلطنت رضاشاه در ولایات، ماهانه 5 تومان بود؛ در حالی که در شهرهای بزرگ، این میزان در حدود 10 تا 12 تومان بود. صنعتگران، دستمزد بیشتری نسبت به بقیه می گرفتند؛ یعنی روزانه 5 تا 10 قران، کارگر بزرگسال چاپخانه، ماهانه بین 12 تا 15 تومان مزد می گرفت و حروف چین، ماهانه 35 تا 40 تومان. کارگران صنعت شیلات هم حقوق ماهانه 15 تا 20 تومان دریافت می کردند؛ این در حالی بود که کارگران ساختمانی، ماهانه کمتر از 10 تومان مزد دریافت می کردند. کارگران صنعت قالبیافی، با کار 16 ساعت در روز، از یک تا 3 قران مزد دریافت می کردند. کارگران صنعتی مرد در کارخانه های مدرن، ماهانه 15 تومان مزد می گرفتند. کارگران زن، در همان کارخانه روزانه 2 قران دریافت می کردند که ماهانه به 6 تومان می رسید. مفهوم این دستمزدها زمانی روشن می شود که آن ها با هزینه های زندگی مقایسه شوند. برای سال 1310، هزینه روزانه یک خانواده 4 نفره که شامل شکر، نان، گوشت، تنباکو، نفت، کرایه خانه، پوشاک و غیره می شود، حدود 2.5 قران برآورد شده است (فلور، 1371: 134 - 141). بین کارگران ایرانی و کارگران سایر کشورهای حاضر در ایران نیز تفاوت وجود داشت. فلور اشاره می کند که در حوالی سال 1307، کارگر ماهر ایرانی، 14 تا 20 تومان ماهانه دستمزد می گرفت؛ اما در این سال، مدیران و کارمندان انگلیسی، از پانصد تا هزار و پانصد تومان دریافتی داشتند؛ در این موقع، کارگران و کارمندان هندی به طور قطع، مبلغی بیشتر از کارگران ایرانی دریافتی داشتند (فلور، 1371: 136). اشرف (اشرف و همکاران، 1386: 97) نیز اشاره می کند که تغییرات صورت گرفته در بخش های مختلف اقتصاد، با افزایش حقوق در بخش صنایع جدید طی دهه 1300 و 1310 همراه نبود. بدین سان برای مثال در صنایعی همچون

پنبه پاک‌کنی، نساجی و ساخت راه‌آهن، میانگین دستمزد روزانه هنوز برای کارگران 3 قران و کارگران ماهر 7 تا 8 قران بود که نسبت به دستمزدها در دو یا سه دهه پیش از آن صرفاً افزایش اندکی یافته بود. زنان، در کارهای غیرحرفه‌ای با کاری مشابه مردان، مزدی معادل 2.5 قران در روز می‌گرفتند و کودکان حتی کمتر از این مقدار و حدود یک قران مزد روزانه می‌گرفتند.

پ) وضعیت رفاهی کارگران

ایوانف اعتقاد دارد که در اوایل دوره پهلوی، وضعیت کارگران ایران بسیار بد بود. ارتش بیکاران همواره وجود داشت و دهقانان بر میزان آن می‌افزودند. ساعات کار روزانه در حدود 10 الی 14 ساعت بود. در تأسیسات و کارخانه‌های مختلف، به طور وسیع از نیروی کار زنان و کودکان استفاده می‌شد. کارگران مزد ناچیزی در حدود چند ریال در روز دریافت می‌کردند. زنان دو برابر و کودکان چهار برابر کمتر از مردان بزرگسال حقوق می‌گرفتند. قانون کار و بیمه‌های اجتماعی نیز وجود نداشت (ایوانف، 1356: 80).

کنسول انگلیس در تبریز، وضعیت عمومی کارگران را چنین بیان می‌کند: ما در یک مرحله انتقالی میان قدیم و جدید هستیم، روابط شخصی کارگر با کارفرما از میان می‌رود و کارگر هرچه بیشتر با محصول کار خود بیگانه می‌شود. هنوز قوانین مناسبی برای زمان مصدومیت و بیکاری وجود ندارد که جانشین مسئولیت‌های اخلاقی کارفرماهای قدیمی شود. حکومت، ساختاری را ویران کرده‌است بدون آن که چیزی به جای گذاشته‌باشد. (آبراهامیان، 1384: 200).

بر اثر بحران اقتصادی بین‌المللی سال‌های 1929 - 1932، وضع زندگی کارگران ایرانی بدتر شد. افزایش ساعات کار روزانه، بدتر شدن شرایط کار، کاهش دستمزدها، افزایش بیکاری و فقر، وجود سیستم جریمه کار و مانند آن، موجب ناراحتی کارگران و بالاتر رفتن تضادهای کارگری شد (ایوانف،

26.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

1356: 81). در دهه 1310 که کارخانه‌های دولتی و خصوصی بیشتری احداث شد، دولت تصمیم گرفت لایحه جامعی درباره مقررات واحدهای صنعتی تنظیم کند و سازمان بین‌المللی کار، کارشناسی را برای کمک به تهیه پیش‌نویس این مقررات به ایران فرستاد. این لایحه که نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی نامیده شد، در 19 مرداد 1315 به تصویب هیئت وزیران رسید. لایحه مجموعه‌ای از مقررات مربوط به احداث کارخانه‌هایی بود با رعایت حداقل معیار ایمنی و بهداشت و رفاه کارگران. این لایحه ملحقاتی هم داشت: به زنان باردار می‌بایست مرخصی با حقوق بدهند، کارفرمایان موظف بودند سوابق استخدامی کارگران را حفظ کنند و خلاصه‌ای از آن را در اختیار اداره کل پیشه و هنر قرار دهند. در موارد بیماری یا آسیب‌دیدگی کارگران، با توجه به وضع آنان، کارفرما می‌بایست از ساعات کار روزانه آنان بکاهد. (لاجوردی، 1369: 42).

ت) حرکت‌های کارگری، اتحادیه‌ها و حزب کمونیست

رضاشاه از یک طرف پیشرفت کشور در زمینه برقراری امنیت و ایجاد نظم نوین اداری، توسعه زیرساخت‌های صنعتی از جمله حمل‌ونقل و جاده‌سازی، راه‌آهن، ساخت کارخانه‌های صنعتی و حمایت از صنعت داخلی را فراهم کرده بود و از طرف دیگر حاضر نبود که انتقادات اجتماعی را تحمل کند. ترس از گذشته ناآرام کشور و تمایل به تمرکزگرایی، هرگونه اعتراضی را سرکوب می‌کرد که کارگران هم از آن مستثنی نبودند (نعمتی فیروزآباد، 1396: 149). در تابستان 1302، در حین انتخابات مجلس پنجم، رضاخان به اقدام‌های ناگهانی و غیرمنتظره علیه اتحادیه‌های کارگری دست زد. او می‌خواست جای نخست‌وزیر را بگیرد و اتحادیه‌های کارگری را در راه حصول خواسته‌اش مانع بزرگی می‌دانست. وی به دست فرماندهان نظامی خود، همه اتحادیه‌های کارگری را در سراسر کشور توقیف کرد (فلور، 1371: 35). به رغم اندک بودن تعداد کارگران و بالا بودن فشارها، قشر کارگر در

دهه 1300 در فعالیت‌های شدید و حتی رادیکال سیاسی و تشکیل اتحادیه‌های کارگری درگیر شد. بیشتر این فعالیت‌ها به تحریک تلاش‌های سازمان‌یافته حزب کمونیست ایران بود (اشرف، 1386: 101).

زمانی که رضاخان در سال 1304 به سلطنت رسید، به آزادی نهادهای مستقل مانند مجلس، مطبوعات و اتحادیه‌های کارگری ضربه‌زبان‌باری وارد کرد. در واپسین سال‌های حکومت قاجاریان، دولت رضاخان، مخالفان خود را به خاطر اقداماتشان، یعنی اعتصاب‌ها به باد حمله گرفته بود. در پاییز سال 1304، رضاشاه حملات پی‌درپی به بازمانده‌های اتحادیه عمومی کارگران مرکزی آغاز کرد و همین امر سبب گردید که فعالین کارگری به طور مخفیانه به فعالیت‌های خود ادامه دهند (لاجوردی، 1369: 30).

تا سال 1304 شمسی، مراسم بزرگداشت اول ماه می (روز جهانی کارگر) به طور علنی برپا می‌شد اما از زمانی که رضاخان به شاهی رسید، جشن کارگران، نوعی جنایت به شمار می‌آمد و اداره نظمی برای جلوگیری از آن سخت‌گیری و پافشاری می‌نمود. (مانی، 1358: 21). با وجود فشارهای نظامی علیه کارگران، مراسم اول ماه می در سال‌های 1305 و 1306 برگزار شد. چند روز بعد از مراسم، حکومت تعدادی از کارگران را دستگیر می‌کند. بعد از سال 1308، اعضای شناخته شده اتحادیه‌ها تحت مراقبت شدید پلیسی قرار گرفتند، به نحوی که از دیدار آن‌ها حتی در کافه‌ها یا قهوه‌خانه‌ها نیز جلوگیری می‌شد (مانی، 1358: 21-24).

در دومین کنگره فرقه کمونیست ایران (سال 1306)، مطالباتی مطرح شد که برخی از مهمترین آن‌ها به قرار زیر بود:

1. آزادی کامل تشکیلات سیاسی و اتحادیه‌ها و اشکال دیگر تشکیلات صنعتی کارگران. 2. به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری توسط حکومت و صاحبان کارخانه‌ها. 3. آزادی اجتماعات و محافل، آزادی اعتصاب. 4. آزادی کامل برای مطبوعات کارگری. 5. هشت ساعت شدن مدت کار روزانه

28.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

کارگران. 6. دو برابر شدن دستمزد کار شبانه. 7. منع کار شبانه زنان و کودکان. 8. منع کار برای کودکان کمتر از چهارده سال. 9. آزادی تشکیلات کمیته‌های کارخانه‌ای با داشتن حق مداخله در تنظیم روابط میان کارگران و صاحبان کارخانجات و تفتیش استحصالات. 10. تعیین 42 ساعت کار در هفته و مانند آن (برنامه عملیات حزب کمونیست ایران، به نقل از محمودی و همکاران، 1381: 196؛ لاجوردی، 1369: 32). بعد از دومین کنگره فرقه، اعضای آن کوشیدند ارتباطات خود را با کارگران گسترش دهند و درصدد بازسازی اتحادیه‌ها یا تأسیس تشکل‌های جدیدی برآمدند. تشکل‌هایی که از سوی فرقه ایجاد شدند، معمولاً اتحادیه کارگری به مفهوم واقعی کلمه نبودند، بلکه بیشتر شبیه حوزه‌های حزبی بودند. حزب، برخی از کارگران فعال را در حوزه‌های ویژه خود به نام اتحادیه سازمان می‌داد. تلاش‌های فرقه، غالباً ناکام ماند و این حوزه‌ها در اندک زمانی توسط نیروهای امنیتی و سرکوب‌گر رضاشاه کشف و در هم کوبیده شدند (محمودی و همکاران، 1381: 200).

بین سال‌های 1308 تا 1311 موج اعتصابات کارگری به رهبری اتحادیه‌های مخفی کارگری و حزب کمونیست ایران جریان داشت و به بیشتر نواحی ایران سرایت کرد. از مهمترین حرکت‌های کارگران در دوره رضاشاه، می‌توان به اعتصاب کارگران شرکت نفت جنوب که از 13 اردیبهشت سال 1308 آغاز شده بود، اشاره کرد. بسیاری از کارگران معترض، دستگیر و سپس تبعید شدند و تا سال 1320، همچنان در تبعید ماندند. اعتصاب‌ها اگر چه به شدت سرکوب شد ولی دستاوردهایی نیز برای کارگران داشت: به حقوق کارگران افزوده شد؛ مساکنی برای کارگران با سابقه بنا گردید و عده‌ای از مهندسين و مامورين انگلیسی که مورد تنفر کارگران بودند، از کار برکنار شدند (محمودی و همکاران، 1381: 209). نظرات مختلفی درباره اعتصاب کارگران آبادان وجود دارد. فلور (فلور، 1371: 65 - 66) معتقد است که رهبران شبکه با روس‌ها در ارتباط بوده‌اند و از آن‌ها خط‌مشی می‌گرفتند. وی

سازمان‌دهندگان اعتصاب را رهبران فتنه‌جویان می‌خواند. لاجوردی (لاجوردی، 1369: 35) نیز اعتقاد دارد که بعضی حرف‌وحدیث‌ها حاکی از آن است که این اعتصاب به تحریک اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته‌است. حکومت رضاشاه، همه اتحادیه‌های کارگری، به‌ویژه شورای متحده کارگران را از فعالیت محروم کرد و از سال 1306 تا 1312، 156 تن از سازمان‌دهندگان نیروهای کارگری را دستگیر کرد. بیشتر این افراد به شهرهای دور از زادگاه خود تبعید شدند (فوران، 1392: 174). در خرداد 1310، حکومت رضاشاه برای قانونی کردن سرکوب‌ها، لایحه‌ای از تصویب مجلس گذراند که دارای 7 ماده بود. در لایحه ذکر شده بود که هر کس به هر اسم، جمعیتی تشکیل دهد که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و یا حمایت از مرام اشتراکی باشد یا به آن بپیوندد، به سه تا ده سال زندان محکوم خواهد شد (محمودی و همکاران، 1381: 219). بر همین اساس، ابزاری برای سرکوب هرچه بیشتر فعالیت‌های کارگری به‌دست آمد. در بین سال‌های 1310 تا 1320 شمسی، فعالیت‌ها و اعتصابات کارگران، به‌صورت جسته و گریخته صورت می‌گرفت. از مهمترین این اعتصاب‌ها می‌توان به اعتصاب کارگران کارخانه وطن اصفهان اشاره کرد که طی آن، کارگران به موفقیت‌هایی دست یافتند مانند: کاهش ساعات کار از 12 ساعت به 9 ساعت، لغو تفتیش بدنی کارگران، افزایش 20 درصدی دستمزد کارگران و بهبود شرایط محیط کار (محمودی و همکاران، 1381: 218). در آیین‌نامه‌ای که در سال 1315 تحت عنوان حفظ نظم در کارخانه‌ها به تصویب رسید، هرگونه اعتصاب کارگری ممنوع شد اما کارگران با این وجود به فعالیت خود ادامه دادند (نعمتی فیروزآباد، 1396: 149).

در سال‌های پادشاهی رضاشاه، یک طبقه صنعتی ناراضی شکل گرفت. مزدهای پایین، ساعات کاری زیاد، وضع مالیات‌های گزاف بر کالاهای مصرفی، انتقال اجباری کارگران به منطقه مالاریاخیز مازندران و شرایط نامساعد کاری که به بردگی شباهت داشت، همگی موجب نارضایتی کارگران صنعتی شد. از

30.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

آنجا که در سال 1305، اتحادیه‌های کارگری، ممنوع شده بود، نارضایتی‌ها به شکل فعالیت‌های زیرزمینی و اعتصابات غیرمجاز درآمد. در روز کارگر سال 1308، یازده هزار کارگر پالایشگاه نفت برای دستمزدهای بالاتر، 8 ساعت کار روزانه، پرداخت حقوق تعطیلات سالانه، خانه‌های سازمانی و به رسمیت شناخته شدن اتحادیه‌ها، دست به اعتصاب زدند. گرچه شرکت نفت دستمزدها را افزایش داد ولی بریتانیا، یکی از قایق‌های توپ‌دار خود را به بصره فرستاد و مقامات ایرانی نیز بیش از 500 کارگر را دستگیر کردند. پنج تن از رهبران اعتصاب هم تا سال 1320 در بازداشت باقی ماندند. در سال‌های بعدی، اعتصاب‌های پراکنده‌ای در گوشه و کنار کارخانه‌های کشور رخ داد که با ترتیب‌دهندگان اعتصاب برخورد شد و به زندان فرستاده شدند (آبراهامیان، 1384: 200).

می‌توان خلاصه‌وار چنین بیان کرد که سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رضاشاه به‌عنوان مهمترین عامل رو به افول گذاردن فعالیت‌های اتحادیه‌ای است. وقتی قدرت مرکزی رو به ثبات گذاشت، مخالفین اتحادیه‌ها متمرکز شدند و عقب راندن اتحادیه‌ها ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. صنایع ایران در آن زمان بسیار عقب‌مانده بودند و موانع ساختاری، کارگران را از فعالیت اتحادیه‌ای باز می‌داشت. درصد زیادی از نیروی کار صنعتی ایران، از پیشه‌های سنتی کشاورزی و روستایی خود نگهسته بودند و تعداد زیادی از نیروی کار را کارگران فصلی تشکیل می‌دادند. علاوه بر آن، کارگاه‌های ایران، کوچک و پراکنده بودند و کمتر کارگری می‌توانست در یک کارگاه واحد، مدت زمان طولانی کار کند. علت دیگر فقدان علاقه به اتحادیه‌های کارگری را می‌توان به امکان‌های بیشتر استخدام ارتباط داد که پس از سال 1310 در اثر موج صنعتی شدن در ایران پدید آمده بود. همچنین در ایران، اتحادیه‌گرایی نه تنها مورد تهاجم حکومت‌ها بود، بلکه با مخالفت بسیاری از نهادهای قدرتمند اجتماعی هم روبرو بود. اگر حمایت نهادهای قدرتمندی مثل روحانیت و احزاب معتدل از کارگران صورت می‌گرفت، به حکومت اجازه

داده نمی‌شد که کارگران و اتحادیه‌های آنها را قلع و قمع سازند. اگر کارگران می‌کوشیدند که این برداشت را تقویت کنند که همکاری و توافق بین کارگران و کارفرمایان بیش از تعارض و اختلاف برای هر دو طرف نتیجه‌بخش و سودمند است، احتمالاً راحت‌تر می‌توانستند به اهداف خود دست یابند.

نتیجه‌گیری

روابط صنعتی و تضادهای کارگری، از پدیده‌های مهم اداره اجتماعات دوره معاصر است که باید مورد توجه عمیق برنامه‌ریزان و مسئولان اداره امور هر جامعه قرار گیرد. از آنجایی که کارگران، از مهمترین کنشگران بخش صنعت اقتصاد هستند، توجه به روابط آنها با سایر کنشگران صنعتی، می‌تواند نقش به‌سزایی در درک تغییرات کلان جامعه داشته‌باشد. با توجه به این که در دوره رضاشاه، به تدریج نظام روابط صنعتی در حال شکل‌گیری بود، این تحقیق تلاش داشت با شناسایی عوامل مؤثر بر تضادهای کارگری در این دوره، از نواقص پژوهشی موجود بکاهد و به محققین و سیاست‌گذاران این حوزه، یاری رساند. فرضیه تحقیق اینگونه بود که انواع اختلالات اجتماعی در جامعه، تضادهای کارگری را تشدید می‌کند. یافته‌های تحقیق، این فرضیه را تأیید می‌کند. با توجه به چارچوب نظری تحقیق، تضادهای کارگری دوره رضاشاه پهلوی را می‌توان در قالب نمودار (شکل 1) نشان داد.

دوره رضاشاه را نسبت به اواخر دوره قاجار، باید دوره تمرکزگرایی دانست. در این دوره، تمرکزگرایی در حوزه‌های مختلف شکل گرفت. رضاشاه که قدرت خود را از طریق کودتای نظامی به دست آورده بود، بنیان قدرت خود را بر نظامی‌گری استوار کرد و منابع و ابزارهای قدرت را در اختیار خود گرفت. او احزاب سیاسی را از بین برد و اعتقاد داشت که باید صدای یک‌دستی در کشور وجود داشته باشد. وی بر انتخابات مجلس نظارت شدید داشت و بر آن اعمال نفوذ می‌نمود. همین عوامل باعث نارضایتی بسیاری از نخبگان سیاسی و اجتماعی جامعه شده بود. البته نباید از این نکته غافل شد که در این دوره بود که

32.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

دولت مدرن، به عنوان انحصار کاربرد مشروع قدرت در یک سرزمین شکل گرفت. سیاست تمرکزگرایی رضاشاه، به حوزه فرهنگی نیز گسترش یافت. وی برای جامعه متکثر ایرانی، سیاست یکسانسازی را برگزید. هرچند رضاشاه توانست شورشها و نافرمانیهای مختلف در گوشه و کنار کشور را از بین ببرد ولی این کار وی به سرکوب اقوام منتهی شد. برخی از شعائر دینی، مورد هجوم دولت قرار گرفت، آزادیهای فردی، بسیار محدود شد و تلاشهای بسیاری نیز برای یکسانسازی افکار و اندیشهها صورت گرفت.

باتوجه به تغییراتی که در حوزههای بهداشتی و آموزشی انجام شد، جمعیت کشور نیز افزایش یافت. همین امر موجب گسترش شهرنشینی گردید که اصولاً ضابطه مند نبود. ساختار ایلی و عشایری دگرگون شد و از قدرت عشایر در عرصه سیاسی کشور کاسته شد. در راستای سیاستهای تمرکزگرایانه رضاشاه، مطبوعاتی که صدایی غیر از صدای حکومت داشتند، تعطیل شدند. به سبب همین سیاستها، رابطه حکومت با نیروهای اجتماعی ضعیف شد و حکومت نتوانست حمایت قشر متوسط را جلب کند. در این دوره، تلاشهایی برای توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی صورت گرفت اما در این راستا، برنامه‌ای مشخص و جامع وجود نداشت. قسمت زیادی از درآمدهای دولت، صرف نوسازی ارتش شد و بودجه نیز به صورت نامتوازن توزیع شد. دولت نوسازی از بالا را در پیش گرفت ولی علی‌رغم آن، بخش اقتصاد دولتی زیان‌ده بود. بسیاری از صنایع عقب مانده بودند و آنها نیز در شهرهای بزرگ متمرکز شده بودند. همین امر نیز سبب شد درآمدها به صورت نامتوازن در کشور توزیع شوند و نابرابریهایی بین مناطق به وجود آید. گسترش کارخانه‌ها سبب افزایش تعداد کارگران صنعتی شد. علی‌رغم افزایش تعداد آنها، وضع کارگران در دوره رضاشاه، هم از بُعد قدرت خرید و میزان دستمزدها، هم بهبود شرایط کار و هم رعایت حرمت انسانی آنان، تغییر محسوسی پیدا نکرد. کماکان میزان دستمزد کارگران پایین بود، امنیت

شغلی پایینی داشتند، ساعات کار روزانه زیاد بود، بیمه تامین اجتماعی نداشتند و دستمزد آن‌ها با توجه به جنس، سن و شهر محل کار متفاوت بود. کارفرمایان نیز سبک و سیاق قدیمی خود را ادامه می‌دادند و مسئولیت‌های اخلاقی در قبال کارگر احساس نمی‌کردند. دولت نیز به سرکوب کارگران می‌پرداخت و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رضاشاه سبب شده بود که فعالیت کارگران ایرانی تا حدودی از میان برود. درچنین وضعیتی، اتحادیه‌های کارگری که می‌توانستند واسطه بین کارگر با کارفرمایان و دولت بوده و بازویی برای حل مسالمت‌آمیز تعارضات کارگری باشند، حذف شدند و بسیاری از اتحادیه‌های مستقل توقیف گردیدند.

34.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول



شکل 1: مدل روابط صنعتی و تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

در این دوره، کارگران خواسته‌های خود را به طُرُق مختلف از جمله برگزاری اعتراضات و ایجاد اعتصاب ابراز کردند. برخی از مهمترین خواسته‌های کارگران عبارت بود از به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری از سوی دولت و صاحبان صنایع، حق اعتصابات و آزادی نشریات کارگران، برقراری هشت ساعت کار روزانه، مشارکت شوراهای کارخانه در تنظیم روابط کارگران و مدیریت کارخانه‌ها، پذیرفتن اصل مذاکره جمعی کارگران و کارفرمایان، تعیین حداقل دستمزد توسط اتحادیه‌های کارگری، برقراری دو هفته مرخصی سالانه برای کارگرانی که حداقل شش ماه سابقه کار دارند. تلاش‌های کارگران برای رسیدن به این خواسته‌ها تنها در برخی از کارخانه‌ها جواب داد. در بعضی از کارخانه‌ها دستمزدها افزایش یافت، از ساعات کار کاسته شد و برخی جنبه‌های رفاهی کارگران بهبود یافت. باید توجه داشت که در اکثر کارخانه‌ها، این پیشرفت‌ها حاصل نشد. نتیجه وضعیتی که از یک سو اقتدار دولت و از سوی دیگر اقتدار کارفرما را در برداشت، این شد که قانون کار تصویب نگردید، کارگران علاقه‌ای برای بازسازی اتحادیه‌ها و عضویت در آن‌ها نداشته باشند، امنیت شغلی کارگران کماکان پایین باشد و اعتراضات و اعتصابات کاهش یابد.

به طور کلی می‌توان گفت که در این دوره، اکثر فرآیندهای حل تضاد کارگری با شکست مواجه شد. نتیجه چنین امری نیز این شد که کارفرمایان بسیاری از پیشنهادات کارگران را رد کنند، جریمه مالی کارگران را افزایش دهند، در برخی موارد دستمزد کارگر را به بهانه‌هایی چون عدم رضایت از کار کاهش دهند و کارگران معترض را اخراج کنند. دولت نیز به شکل‌های مختلف به تضادهای کارگری پاسخ داد. از جمله این پاسخ‌ها عبارت بود از سرکوب اعتراضات، دستگیری و زندانی کردن رهبران کارگران، برهم زدن تجمعات کارگران، ارائه لایحه مجازات کارگران حامی مرام اشتراکی توسط دولت به مجلس، حمایت از کارفرمایان در مقابل کارگران، راه‌اندازی اتحادیه‌های تحت کنترل خود. در نتیجه، کارگران

36.... بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

یا به صورت مخفی و زیرزمینی به فعالیت‌های خود ادامه دادند و یا برکنار از سیاست‌های کارخانه‌ای شدند و از محصول کار خود بیگانه گشتند.

بخشی از نتایج تحقیق با یافته‌های برخی تحقیقات پیشین همچون لاجوردی که بیان می‌کند میدان دادن به اتحادیه‌های کارگری مستقل، تدبیری مؤثر برای مبارزه با نفوذ کمونیسیم در برخی جوامع از جمله ایران بوده است، همخوانی دارد.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (1384) *ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نشر نی.
- اشرف، احمد (1359) *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران، نشر زمینه.
- اشرف، احمد، بنوعزیزی، علی (1386) *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر نیلوفر.
- ایوانف، میخائیل سرگیویچ (1356) *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران، نشر اسلوج.
- باربر، جولیان (1363) *اقتصاد سیاسی ایران (1900 - 1970)*، تهران، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران.
- بامداد، بدرالملوک (1347) *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران، نشر ابن سینا.
- بشیری، حسین (1389) *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران، نشر گام نو.
- بهشتی، جعفر (1389) *روابط صنعتی و روابط کار*، تهران، نشر نگاه دانش.
- پورشافی، مجید (1385) *اقتصاد کوچک، گزارش پول ملی ایران، هزینه‌های زندگی و دستمزدها در دو سده گذشته (1157 - 1357)*، تهران، نشر گام نو.
- جلبی، مسعود (1375) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران، نشر نی.
- حافظنیا، محمدرضا (1386) *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، انتشارات سمت.
- دادخواه، محمد رضا (1389) *روابط کار و روابط صنعتی (اصول و مبانی)*، تهران، نشر شهر آشوب.

- زاهدی، شمس‌السادات (1390) *روابط صنعتی: نظام روابط کار (با تأکید بر حوادث ناشی از کار)*، تهران، مرکز نشر دانشگاه.
- زیباکلام، صادق (1398) *رضاشاه*، تهران، نشر روزنه.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (1376) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، نشر آگه.
- سوداگر، محمد (1357) *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی 1304 - 1340)*، تهران، نشر پازند.
- صدرنوبی، رامپور (1385) *جامعه‌شناسی صنعتی*، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال 3.
- عیسوی، چارلز (1362) *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار 1215 - 1332 ه.ق. / 1800 - 1914 میلادی)*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، شرکت افست (سهامی عام).
- فلور، ویلم (1371) *اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران 1900 - 1941*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس.
- فوران، جان، (1392) *تاریخ تحولات اجتماعی ایران (مقاومت شکننده)*، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (همايون) (1374) *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- کدی، نیکی آر (1387) *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (1386) *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لاجوردی، حبیب (1369) *اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران*، ترجمه ضیاء صدقی تهران، نشر نو.
- مانی، شکرالله (1358) *تاریخچه نهضت کارگری در ایران*، تهران، بی‌نا.
- مبارکی، محمد (1391) *مطالعه تطبیقی - تاریخی عوامل و موانع صنعتی شدن در سه دوره تاریخی با تأکید بر ایران*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

38.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

محمودی، جلیل؛ سعیدی، ناصر (1381) *شوق یک خیز بلند (نخستین اتحادیه‌های کارگری در ایران؛ 1285 - 1320)*، تهران، نشر قطره.

منوچهری، علی؛ احمدی، مهدی (1388) *اعتصابات کارگری دوره نخست‌وزیری مصدق*، نشریه پیام بهارستان، سال 2، شماره 5.

نعمتی فیروزآباد، ابوذر (1396) *نقش حزب کمونیست در سازمان دادن به تشکلهای و اعتصابات کارگری و نحوه برخورد دولت رضاشاه با این فعالیتها (مطالعه موردی: اعتصاب کارگران نفت جنوب و کارخانه وطن اصفهان)*، فصلنامه تاریخ نو، سال 7، شماره 19.

نقیسی، سعید (1345) *تاریخ معاصر ایران از کودتای سوم اسفندماه 1299 تا بیست و چهارم شهریورماه 1320*، تهران، نشر فروغی.

همراز، ویدا (1376) *نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه*، تاریخ معاصر ایران، سال 1، شماره 1.

Abdullaev, Z. Z. (1968) *Formirovanie rabocheho klassa Irana (Formation of the working class of Iran)*, Baku, Izd. AN AzSSR.

Bharier, Julian (1971) *Economic development in Iran 1900 – 1970*, London, Oxford University Press.

Finnemore, Martheanne; Van der Merwe, Roux (1989) *Introduction to Industrial Relations in South Africa*, Lexicon Publishers, Johannesburg, GAU, South Africa.

Hyman, R. (2001) *Understanding European Trade Unionism: Between Market, Class and Society*, Sage, London.

Dunlop, J. T. (1958) *Industrial relations systems*, Henry Holt Ltd.